

تاملی بر سخنان سخنگوی قوه قضائیه

سرمقاله

شش ماه پیش، زمانی که هنوز قضایی در قدرت بود، مخالفتش از او خواستند تا استعفا دهد و از قدرت کناره گیری کند. اما قضایی

در حالی که دشمنانش را مشت‌حشره خواند با مشت‌ان گره کرده اعلام کرد که «مطابق با قانون!» و مقامی ندارد که از آن استعفا دهد» و چون «مقامی ندارد» پس «هیچ قدرتی در لیبی ندارد، بلکه قدرت در دست مردم است».

قضایی ظاهراً راست می‌گفت. او در چهار دهه‌ای که بر لیبی حکم راند، همواره خودش را رهبر انقلاب لیبی می‌دانست و با استناد به اینکه در قانون لیبی این مقام «تعریف نشده است»، کناره‌گیری خود را امری مضحک و غیرممکن می‌دانست. حتی یکبار گفته بود «من که رئیس‌جمهور نیستم تا از سمت خود کناره‌بروم».

شش ماه پیش، زمانی که خبرنگاری از محسنی‌اژه دادستان کل کشور در مورد مرخصی زندانیان سیاسی سوال کرد، سخنگوی قوه قضائیه جواب داد «چون در قانون جرم سیاسی تعریف نشده است، پس زندانی سیاسی هم نداریم».

محسنی‌اژه‌ای ظاهراً راست می‌گوید! و ظاهراً بیش از اندازه به درستی این سخن خود ایمان دارد که در مصاحبه دو روز پیش خود دوباره سرهنگی کرده و باز هم گفته است «تعبیر متهمان یا مجرمان سیاسی، تعبیر صحیح قانونی نیست. چون تاکنون تعریف نداریم».

در این حال، پاسخ آقای دادستان سوالات فراوانی را فرا روی قوه قضائیه قرار می‌دهد. سولاتی از این دست: وقتی جرم سیاسی تعریف نشده است، قاضی چگونه تفاوت جرم سیاسی را با جرم امنیتی تشخیص می‌دهد؟ معیارشان برای این تشخیص چیست؟ آیا زندانی کردن صدها روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اندکی ما را به لغزیدن و سهل‌انگاری و سهواندیشی در این تشخیص‌ها مشغول نمی‌کند؟ آیا عقل سلیم و اخلاق اسلامی می‌پذیرد همه افعال و سیاست‌ها و نوشته‌هایی را که حکماً نمی‌پسندند و یا نمی‌شناسند را جرم امنیتی بنامیم؟ بدتر از آن آیا همه مجرمان سیاسی نمی‌توانند با این استدلال که جرم سیاسی در قانون تعریف نشده است از دست آن بگریزند؟ آیا تاکنون کسی نگریخته است؟ در این میان وظیفه قوه قضائیه چه می‌شود؟...

به نظر می‌رسد جنبش سبز و رستاخیز آگاهی، عرصه را آن چنان بر حاکمان تنگ کرده است که دیگر نمی‌شود اصل قضیه را انکار کرد و وجود زندانی سیاسی را به کلی نادیده گرفت. به عبارتی دیگر حجم زندانیان سیاسی و کثرت زندانیان صاحب نام سیاسی، کار را به جایی رسانده است که باید به شیوه آقای دادستان به جای انکار زندانی سیاسی به انکار جرم سیاسی پرداخت.

البته نگرانی اصلی جای دیگری است. از پاسخ جناب دادستان چنین بر می‌آید که گویی قرار است در نظام مورد نظر ایشان، قانون را با رفتار حکومت تعریف کنیم. یعنی لازم است هر آنچه که حکمرانان انجام می‌دهند قانونی بدانیم، ولو در قانون نیامده باشد؟! آیا در جمهوری اسلامی چنین است؟ اگر چنین است که دیگر چه نیاز به قانون اساسی و قانون‌گذاری و قوای نظارتی است؟ با استناد به این مواضع قوه قضائیه که می‌شود برای راحتی حکما، فاتحه قانون را هم خوانند. راستی کسانی که از انحراف در جمهوری اسلامی می‌گویند، غیر از این چیزی گفته‌اند؟

بنی‌صدر که فرار کرد، زنش را دستگیر با سپهره شهید کردند. شهید بهشتی زنگ زد که زن بنی‌صدر تخلفی نکرده باید آزادش کنید. آزادش نکردند. گفت با اختیارات خودم آزادش می‌کنم. می‌گفت «هر یک ثانیه که در زندان باشد گناهش گردن جمهوری اسلامی است.»

بنی‌صدر که فرار کرد، زنش را دستگیر با سپهره شهید کردند. شهید بهشتی زنگ زد که زن بنی‌صدر تخلفی نکرده باید آزادش کنید. آزادش نکردند. گفت با اختیارات خودم آزادش می‌کنم. می‌گفت «هر یک ثانیه که در زندان باشد گناهش گردن جمهوری اسلامی است.»

کتاب صد دقیقه تا بهشت

اخبار کوتاه

* خانواده شهید آیت‌الله قدوسی در اطلاعیه‌ای از لغو مراسم بزرگداشت آن شهید در سال جاری خبر دادند و تاکید کردند که وقتی نمی‌توان مراسمی برپا کرد که راه و هدف واقعی آن شهید را زنده کند، نمی‌توان نام او را یادآوری کرد.

* دولت هلند در گزارشی اعلام کرد که در حدود ۳۰۰ هزار کاربر ایرانی اینترنت طی ماه گذشته توسط یک یا چند نفر هک شدند.

* شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد و مجید نامجو وزیر نیرو بر سر افزایش ۱۴ درصدی قیمت آب توافق کرده‌اند.

* یک منبع آگاه در اداره کل محیط زیست خراسان شمالی

خانه‌های خود را «قبله» قرار دهید، اگر تا پیش از این، هر دو ماه یک بار همدیگر را ملاقات می‌کردیم، اینک هفته‌ای دوبار گرد هم جمع شویم که قدرت شبکه‌های اجتماعی ما در این امر نهفته است
میرحسین موسوی، ۱۴ شهریور ۸۸

مادر اشکان سهرابی:

آقای علی کریمی! افتخار همه‌ی مردم ایران هستی



شنیده بودند پیراهن شالکه خود را تقدیم پسر من کردند.» او با تشکر از علی کریمی، کاپیتان تیم ملی فوتبال را «افتخار همه مردم ایران» نامید و گفت: «امیدوارم به خاطر این هدیه برای ایشان مشکلی پیش نیاید.»
مادر اشکان سهرابی همچنین درباره آخرین وضعیت پرونده پسرش گفت که هنوز قاتل یا قاتلان او مشخص نشده و به خانواده او پیشنهاد شده تا با قبول دیه از شکایت خود صرف نظر کنند.

در حالی که سایت‌های نزدیک به سپاه پاسداران از علی کریمی به عنوان کسی که همچنان در «وادی فتنه» قدم می‌زند نام می‌برند، مادر یکی از شهدای جنبش سبز او را «افتخار همه مردم ایران» نامید. انتشار عکسی در سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های مجازی که در آن پیراهن شماره ۱۶ علی کریمی در تیم فوتبال شالکه آلمان به اشکان سهرابی تقدیم شده بود، واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال داشت.

علی کریمی در پشت پیراهنی که با آن در لیگ قهرمانان اروپا در مقابل تیمی مانند اینترمیلان ایتالیا بازی کرد، نوشت: «تقدیم به زنده یاد اشکان سهرابی که همیشه برای ما زنده خواهد ماند.»
اشکان سهرابی دانشجوی ۱۹ ساله ساکن تهران روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در جریان اعتراضات مردمی به تقلب در انتخابات حوالی خیابان رودکی هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

اشکان سهرابی یکی از کشته‌شدگان وقایع آن روز بود که حالا کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران یکی از پیراهن‌های خود در تیم شالکه را به او تقدیم کرده است؛ اقدامی که خشم رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران را برانگیخت.

در بخشی از مطلب این رسانه‌ها با عنوان «پاس‌های علی کریمی به فتنه‌گران» با اشاره به میچ بند سبزی که علی کریمی در جریان مسابقه میان تیم ملی فوتبال ایران با کره جنوبی بر دست خود بسته بود، نوشتند: «کریمی همان راهی را می‌رود که شجریان پیش از وی آنرا رفت و امروز در انتهای این مسیر آرزوی بازگشت را دارد که البته دیر شده است.»

اما با وجود این موضوعات مادر اشکان سهرابی در اظهارنظر جداگانه‌ای با انتقاد از مطلب منتشر شده در رسانه‌های حکومتی علیه کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران گفت: «فکر نمی‌کنم این مساله ربطی به آنها داشته باشد که بخواهند در آن دخالت کنند و نظریه‌دهند. من می‌خواهم از ایشان [علی کریمی] به خاطر روح بلندی که دارند تشکر کنم و بگویم که واقعاً جوانمرد هستند.»

او پسر خود را از طرفداران علی کریمی معرفی کرد و گفت: «من این مطلب را به اطلاع ایشان رساندم. آقای کریمی هم وقتی این را

بیانیه ۳۳ زندانی سیاسی: به حصر ظالمانه رهبران سبز پایان دهید

عرفی و اخلاقی» برای خود نمی‌شناسد.
در این بیانیه، رفتار حاکمیت جمهوری اسلامی در برخورد با معترضان داخلی و در مقابل حمایت از جنبش‌های اعتراضی منطقه «طنز آمیز و عجیب» توصیف شده است.

این زندانیان، بازداشت‌های گسترده نزدیکان کاندیداهای اصلاح‌طلب، فعالان سیاسی و مطبوعاتی و برگزاری دادگاه‌های «فرمایشی» و «محاکمه‌های نمایشی» را یادآور کودتاهای نظامی در کشورهای آمریکای لاتین و خاورمیانه دانسته‌اند.

در این نامه همچنین به گفته‌های حامیان دولت در ایران مبنی بر رای ۱۴ میلیونی کاندیداهای اصلاح‌طلب اشاره شده و سرکوب همه‌جانبه، اعمال فضای امنیتی - نظامی، عدم صدور مجوز راهپیمایی و برگزاری مراسم تشییع جنازه یا برگزاری مجلس ختم یک ورزشکار ملی را از نشانه‌های «هراس» این افراد از «جنبش زنده سبز» خوانده‌اند.

بهمن احمدی امویی، حسن اسدی زیدآبادی، مسعود باستانی، عماد بهاور، علیرضا بهشتی شیرازی، مصطفی تاجزاده، علی جمالی، محمدحسین خوربک، بابک داشاب، محمد داوری، مجید دری، امیرخسرو دلیرثانی، علیرضا راجایی، عبدالله رمضانزاده، عیسی سحرخیز، داود سلیمانی، محمد سیف‌زاده، قاسم شعله‌سعدی، کیوان صمیمی، اسماعیل صحابه، محمدفرید طاهری قزوینی، فیض‌الله عرب‌سرخی، مهدی فروزنده‌پور، سیماک قادری، ابوالفضل قدیانی، محسن محقق، محمدرضا معتمدیان، محمدرضا مقیسه، محسن میردامادی، عبدالله مومنی، بهزاد نبوی، ضیا نبوی و حسن یونسو اعضا کنندگان این بیانیه هستند.

۳۳ زندانی سیاسی در زندان اوین با صدور بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به «حصر ظالمانه» میرحسین موسوی، مهدی کروبی و همسرانشان شده‌اند.

این زندانیان در بیانیه مذکور که به مناسبت دویستمین روز حصر خانگی رهبران سبز منتشر شده، حبس رهبران جنبش سبز را ظالمانه و غیرقانونی توصیف کرده و نوشته‌اند: «ما زندانیان سیاسی امضاکننده‌ی این بیانیه ضمن محکوم کردن بازداشت غیرقانونی رهبران جنبش سبز که بیش از هر چیز به عملیات آدم‌ربایی و گروگان‌گیری شباهت دارد، اعلام می‌داریم راهی که می‌تواند به خروج کشور از بحران فراینده‌ی فعلی کمک کند و مانع از تحمیل هزینه‌های بیشتر به منافع ملی شود، پایان بخشیدن به حبس ظالمانه‌ی آقایان موسوی و کروبی است.»

در این بیانیه پرسیده شده است که چرا باوجود اعلام آمادگی چند باره آقایان موسوی و کروبی برای محاکمه، نظام دادگاهی برای محاکمه آنها تشکیل نمی‌دهد؟

این زندانیان سیاسی، رفتار حاکمیت در برخورد با رهبران مخالف دولت و همسرانشان را نشانه‌ای از «استیصال» جریان حاکم و عدم موفقیت آنها در مقابله با خواسته‌ها و مطالبات مردم ارزیابی کرده‌اند.

زندانیان سیاسی در بخش دیگری از نامه خود نادیده گرفتن بدیهیات قانونی و قضایی در قبال خانواده‌های موسوی و کروبی را نشانه «سوء استفاده از قدرت» دانسته و آن را نمادی باز از روند تلخ تبدیل نظام به «حکومتی خودکامه و خودسر» خوانده‌اند.

حکومتی که به گفته اعضا کنندگان نامه برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود در استفاده از قدرت هیچ محدودیت «قانونی، شرعی،

از شیوع بیماری درمان‌ناپذیر طاعون نشخوار کنندگان در حیات وحش زیستگاه ساریگل خبر داد.

* رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر ایران گفته است که «با توجه به اینکه کانون انتقال بیماری وب، مزارع کشاورزی است، استفاده از سبزیجات در رستوران‌های و اغذیه فروشی‌ها تا اطلاع ثانوی ممنوع است.»

* نگرانی نمایندگان مجلس از آغاز دور چهارم سفرهای استانی دولت احمدی‌نژاد در آستانه انتخابات مجلس بالا گرفته و در جایی دیگر دیوان محاسبات هم گزارشی مفصل از اجرایی نشدن بخش

وسیعی (۷۰ درصد) از وعده‌های دولت نهم و دهم در سفرهای استانی خبر داده است.

* طلافروشان بازار تهران بیست روز پس از اعتصاب پارچه‌فروشان به علو ملحق شده‌اند. طلافروشان در حوادث اعتصابات سه سال قبل بازار پیش‌رو بودند.

* بهاره هدایت دانشجوی زندانی که به ۹ سال و نیم زندان محکوم شده است و از دهم مرداد ماه برای پیگیری درمان بیماری‌هایش در مرخصی استعلاجی به سر می‌برد بعد از ظهر دیروز با اتمام دوران مرخصی و عدم تمدید آن به زندان اوین بازگشت.